

بیش از ۱۴۰۰ کوهنورد حضور داشتند؛

صعود اولین زن ایرانی به دومین قله بلند جهان

www.EMTIAZDAILY.IR

روزنامه صبح ایران

امتیاز

شنبه ۱ مرداد ۱۴۰۱ / شماره ۱۳۴۸۱ / صفحه ۵۰۰۰ تومان

رئیس کمیته امنیت کمیسیون امور داخلی: هیچ کس با این روش چادری نشده است

برخورد گشت ارشاد، سلیقه‌ای است

خبر مهم سخنگوی وزارت صنعت برای بازار خودرو؛

سقوط قیمت خودرو نزدیک است؟

چرا اقتصاد ایران زبان تولید می‌کند؟

اقتصاد در گرداب پوپولیسم و قیمت گذاری دستوری

را به رخ می‌کشید. حساب کرده بودند با توجه به دپدی ۶۰۰ میلیون تومانی یک انسان در سال ۱۴۰۱ زنده بودن فرد نوجوه اقتصادی ندارد چرا که حداقل دستمزد هر ماه چیزی حدود ۶ میلیون تومان است در حالی که سود بانکی دبه فرد هر ماه با احتساب نرخ ۱۸ درصد به حدود ۹ میلیون تومان می‌رسد.

نگاهی به گیشه سینما و فیلمی که ۱۰۰ نفر تماشاگر هم ندارد

نتیجه سیاست‌های دولت باید در سفره‌های مردم دیده شود

همتی: بازی با آمار مشکلی را حل نمی‌کند

اقتصاد ایران درگیر بحرانی عجیب است، شاید این جمله حق مطلب را ادا نکند، ایران درگیر عجیب‌ترین بحرانی است که هر اقتصادی می‌تواند دچارش شود.

ما وارد چرخه‌ی تولید زبان شده‌ایم . چندی پیش برخی کاربران در فضای مجازی دست به محاسبه‌ای زده بودند که هر چند در ظاهر شوخی بود اما در باطن واقعیت تلخی

اظهارات بهادری جهرمی درباره کتاب «روایت یک رویش»

یادداشت

«رابطه» جناب‌خان و خندوانه؛ از رنجی که می‌بریم

■ **محمدرضا اسلامی**

ماجرای نوشتن نام «وریا» در برنامه خندوانه و بعد تبدیل شدن به «وچید» را همه شنیدیم. همچون سایر مسایل (اینگ) سیاسی، درباره این ماجرا هم حرف‌ها و حدیث‌های زیادی گفته شد؛

تا آنجا که رامبد جوان هم ویدئویی ضبط کرد و با چهره ای خسته و کلافه چند جمله ای گفت (که نمی‌دانم قایده ای داشت یا خیر) شبکه نسیم هم بیانه‌ای داد. و صدایشه جناب‌خان هم (محمد بحرانی) در صفحه شخصی اش چند سطر ی نوشت.

تا اینجا یی ماجرا، اتفاقی است مثل سایر اتفاقات که در رگیر اخبار بد این روزها می‌آید و می‌رود.

اما بر این خبر، تاملی لازم است. لحظه‌ای توقف و دوباره خواندن این ماجرا اهمیت دارد. ذکر این چند مورد در شرح رنجی که می‌بریم ضروری است: ۱- فارغ از تمام مسائل سیاسی جاری در کشور، مساله اصلی در این ماجرا، شکستگی و ترد بودن رابطه محمد بحرانی و رامبد جوان است. فارغ از تمام متاعه‌ها های بی پایان در این سرزمین، دو هنرمند که مدت‌های طولانی با هم «کار» کرده‌اند و با هم «تولید» کرده‌اند پس از انبوهی کار و رفاقت و خنده و... رابطه‌شان چنان چنان شکننده است که ممکن است بر سر یک ماجرای «وریا» و «وچید» هوا بشود.

به همین سادگی.

۲- جناب‌خان و رامبد جوان مساله اصلی نیستند. مساله اصلی در این آب و خاک، چرایی «شکل نگرینی» روابط استانی «پایدار» است. شرکت اولیایابی زاین صد و چهل سال پیش تشکیل شد. سه بنیانگذار اصلی این شرکت پنجاه سال بعد هم کار کردند. ۵۰ سال-ا پس از آن فرزندان آنها هم پنجاه سال دیگر با هم کار کردند. پس از آن «فرزندان فرزندان» آنها هم با هم چهل سال کار کرده‌اند (و می‌کنند) و این وسط در سر یک ماجرای «وچید» و «وریا» یک رابطه چند ده ساله به هوا رفت. فکانت هیه! متنا شد. حکومتها و سیاستمداران در زاین آمدند و رفتند ولی روابط پایدار انسانی در اولیایابی، باقی مانده (و بزرگترین پروژه‌های سازه‌ای زاین را طراحی و اجرا کرده) ۳- جناب‌خان یکی از موفق‌ترین «پوپولیست‌های» یک کارکتر هنری بود. جناب‌خان، و ملین خنجره اش گرمای جنوب بود و ملن شیراز و نمک پوشهر- جناب خان متولد شد و نتج گرفت و اعضای این تیم هنری توانستند «تولید» کنند. اما امروز بر سر یک ماجرای وحید و ویرا، صدایشه جناب‌خان طوری پشت رامبد جوان را خالی می‌کند که انگار نه انگار اساسا رفاقتی در کار بوده است.

۴- بحث بر سر دفاع/حمايت از رامبد نیست. کار رامبد یک کار حد در صد غلط بود. بحث بر سرر موضوعی فراتر از مباحث سیاسی و حاکمیتی است. بحث این نیست که کدام یک از این دو نفر هنرمند حکومتی است و کدام یک هنرمند مردمی. بحث بر سر این است که یک «رابطه» عمیق میان این ۲ شکل نگرفته (بعد از اینهمه تولید و خنده و کار و زحمت و رفاقت و...)

و چه زاری در این آب و خاک هست که ریشه روابط اینقدر شست و ناپایدار است. در زاین هم حکومتها و زرنالها آمدند و رفتند. آن حاکمانی که کشور را به جنگ دوم جهانی می‌کشاند و زرنالها آمدند و آن حاکمان که از بابت جنگ دوم جهانی غر خراستند هم آمدند و رفتند «ولی» آن آقای مائوسویتا که در یک خانه کوچک، یک اتاقش را به کار «همیم کشی» اختصاص داد و با کمک زن و برادر زنش شرکت «پائوسویتیک» را برپه انداخت، چه قبل از جنگ جهانی و چه بعد از جنگ جهانی، شرکتش بر سر اختلاف با زن و برادر زنش متحل نشد! «مائوسویتا» توانست که یک کارگاه سیم کشی را به هنده کارخانه و صدها مرکز اختراعات و امپراطوری پائوسویتیک تبدیل کند و تا آخرین روز عمر، رفاقتش با رفاقیاش برقرار ماند و چرا دور می‌رویم؟ در همین سالهای اخیر، زارگربر یک ایده سوخته درباره وب سایت اینترنتی به اسم فیس بوک را با تیم همراهش به امپراطوری «هتاه» تبدیل کرد و در میانه این مسیر، ترلیم هی آمد و رفته ولی تیم همراهکاران از هم نپکید. این چه سر و رمزی است در این سرزمین که هیچ رابطه‌ای در هنر، در صنعت و در تجارت «اندگار» نیست؟ کدام شرکت و شرکت ایرانی هست که عمری فراتر از پنجاه سال پیدا کرده باشد؟ کدام پنج برادر صنعتگر اصفهانی با کدام سه برادر کاسب شیرازی بوده‌اند که فارغ از ماجرای حکومتها توانسته باشند رفاقت و برادری را پنجاه سال حفظ کنند و «با هم» تولیدی را «پیدا» و سپس «حفظ» کرده باشند.

هیچ.

وزیر ارتباطات و فناوری اطلاعات تاکید کرد:

حضور شرکت‌های دانش بنیان ایرانی در روسیه



وزیر ارتباطات و فناوری اطلاعات در دیدار با همتای روسی خود تاکید کرد با امضای اسناد همکاری بین ایران و روسیه، همکاری‌های دوجانبه در حوزه «ارتباطات و فناوری اطلاعات» توسعه می‌یابد.

به گزارش امتیاز و به نقل از وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات، عیسی زارع‌پور، پس از مذاکره و رایزنی با همتای روسی و امضای چند سند همکاری در زمینه فناوری ارتباطات و مخابرات، از توسعه همکاری‌های ایران و روسیه در زمینه ارتباطات و فناوری اطلاعات خبر داد. گفت: شرکت‌های دانش‌بنیان و توانمند ایرانی از این به بعد حضور فعالی در بازار روسیه خواهند داشت.

وی با بیان اینکه نشست‌های مجازی بین شرکت‌های ایرانی و روسی، به منظور شناسایی نیازمندی‌ها و ظرفیت‌های دو کشور، از دو ماه پیش آغاز شده بود، افزود: ۱۸ شرکت توانمند ایرانی از سه روز پیش در مسکو حضور دارند و در نشست‌های رو در رو با شرکت‌های متناظر روسی، به تفاهم‌های بسیار خوبی دست پیدا کردند.

وزیر ارتباطات و فناوری اطلاعات با بیان اینکه در حاشیه مذاکره با وزیر توسعه دیجیتال، مخابرات و ارتباطات جمعی روسیه چهار سند همکاری بین شرکت‌های ایرانی و روسی و یک سند نیز بین دو وزارتخانه به امضا رسید. زارع‌پور گفت: با امضا این اسناد، زمینه برای تعمیق و توسعه هرچه بیشتر همکاری‌های بین دو کشور در حوزه ارتباطات، مخابرات، نرم‌افزار، سخت‌افزار و توسعه خدمات دیجیتال فراهم شد و از این پس شرکت‌های ایرانی حضور موثری در بازارهای روسیه خواهند داشت.

یادداشت

■ **حسن صادقی- رئیس‌انحادیه پیشگستگان جامعه‌کارگری**

قطار افزایش سایر سطوح حقوق بازنشتگان تأمین اجتماعی به ایستگاه پایانی نزدیک شده است و امیدواریم دولت با تصویب مصوبه هیئت مدیره سازمان تأمین اجتماعی یعنی افزایش ۲۸ درصدی مزد پایه به اضافه مبلغ ثابت ۵۱۵۱۶۶۰ ریال برای سایر سطوح حقوق بازنشتگان همان مصوبه شورایاعلی کار است، مانع رسیدن این قطار به ایستگاه پایانی خود نشود.

پس از گذشت ۴ سال از ماه ۱۴۰۱، قطار افزایش سایر سطوح حقوق بازنشتگان تأمین اجتماعی با همه وقایع تلخ و شیرین خود در حال نزدیک شدن به ایستگاه پایانی است. شاید یکی از خاطرات ناگوار و آزاردهنده این ایام که بتوان به آن اشاره کرد، وضعیت بد معیشتی و اقتصادی جامعه کارگری بازنشته است. شاخص ها، اعداد و نمودارها به خوبی بیانگر شرایط بد اقتصادی کشور در این مدت کوتاه بوده‌اند. برخی از اقتصاددانان تنها دلیل بروز چنین وضعیت بد اقتصادی در کشور را اعمال تجربه‌های ناجورمانده از سوی دولت آمریکا، می‌دانند.

در این مدت که بازنشتگان غیرحداقل بگیر به فراموشی سپرده شده بودند، به دلیل وضعیت بد معیشتی و اقتصادی شرایط برای

شهردار تهران از خانه‌کشتی بازدید کرد:

حمایت زیرساختی و اقتصادی مدیریت شهری تهران از کشتی



گزارش «امتیاز» در مورد بازی رسانه‌ای جدید خاوری؛

تحلیپ سپاه لیست قرمز



بیش از ۱۴۰۰ کوهنورد از سراسر دنیا حضور داشتند؛

صعود اولین زن ایرانی به دومین قله بلند جهان

«افسانه حسامی فرد» اولین زنی ایرانی موفق شد به قله «کی ۲» دومین قله مرتفع جهان صعود کند. «افسانه حسامی فرد» کوهنورد کشورمان توانست همراه با یک گروه کوهنوردی بین المللی اولین صعود بانوان ایران به قله ۸۶۱۱ متری «کی ۲» در شمال پاکستان را رقم بزند.

افسانه حسامی فرد، بانوی کوهنورد کشورمان موفق شد به عنوان نخستین زن ایرانی قله ۸۶۱۱ متری کی ۲ را فتح کند.

کی ۲ به عنوان دومین قله بلند جهان در منطقه قراقرم پاکستان قرار دارد. بر اساس این گزارش صعود کوهنورد ایرانی ساعت ۵ و ۴۰ دقیقه بامداد به وقت پاکستان رقم خورده تا با این صعود، حسامی‌فرد به عنوان اولین زن ایرانی صعود کننده به «کی ۲» کشته‌نردین قله جهان شناخته شود.

به گفته منابع خبری همزمان با صعود اولین بانوی ایرانی به قله مخوف «کی ۲، «تمینه بیگ» نیز همراه با وی روز جمعه به عنوان اولین زن پاکستانی دومین قله مرتفع جهان را فتح کرده است.

گفتنی است اسماعل همزمان با آغاز فصل کوهنوردی در مناطق شمال پاکستان بیش از ۱۴۰۰ کوهنورد از سراسر دنیا برای صعود به پنج قله با ارتفاع بالای ۸ هزار متر در پاکستان به این کشور سفر کرده‌اند که از این میان ۳۷۰ کوهنورد برای صعود به قله ۸۶۱۱ متری «کی ۲» ثبت نام کرده بودند. افسانه حسامی فرد نیز در میان این افراد حضور داشته است.



رئییی در بازدید از هپکو؛

محصولاتی که مشابه داخلی دارند نباید از خارج وارد شود



رئیس جمهور گفت: دولت در خدمت هر کسی است که در کشور دغدغه تولید داشته باشد. ایاتاله سید ابراهیم رئیسی روز جمعه در بازدید از شرکت تولید تجهیزات سنگین هپکو در جمع مهندسان و کارگران این مجتمع تولیدی گفت: محصولاتی که در داخل کشور از جمله در هپکو تولید می‌شود به هیچ عنوان نباید از خارج وارد شود.

رئییسی در پاسخ به درخواست برخی از کارگران این مجتمع تولیدی برای عدم دخالت افراد غیرکارشناس در مدیریت هپکو تصریح کرد: مسائل شرکت‌های تولیدی باید بصورت تخصصی پیگیری و حل شود و افراد غیرمتخصص حق دخالت در این موضوعات را ندارند.

رئیس جمهور با تقدیر از زحمات کارگران و کارکنان هپکو گفت: هپکو در کشور تولید قدرت می‌کند و نماد غرور و اعتماد به نفس ملی است. دولت در خدمت هر کسی است که در کشور دغدغه تولید داشته باشد.

ایاتاله رئیسی با اشاره به مشکلات کارخانجات بزرگ تولیدی در استان مرکزی گفت: خصوصی سازی ناموفق و غلط در کنار مدیریت ناصحیح عوامل اصلی مشکلات این مجتمع‌های تولیدی است.

رئیس جمهور با تاکید بر اینکه مشکلات واحدهای تولیدی چون هپکو و آذرباب قابل حل است، اظهار داشت: مسئولین با همت کارگران و مهندسان تلاش کنند تا مشکلات هپکو حل شود. این کارخانه عظیم می‌تواند با سه برابر ظرفیت فعلی کار کند و دولت مصمم است زمینه تحقق این موضوع را فراهم کند.

دولت مانع رسیدن قطار افزایش سایر سطوح حقوق بازنشستگان تأمین اجتماعی به ایستگاه پایانی نشود

است. دولت محترم به خوبی متوجه شده است که تغییر قوانینی که به نفع جامعه کارگری مصوب شده است، پیامدهای بسیار ناگوار و جبران ناپذیری به دنبال خواهد داشت.

شایان ذکر است جامعه کارگری بازنشته مطالبات دیگری همچون اعمال ۲۵ درصد مصوبه متناسب‌سازی سال ۱۴۰۰، صدور احکام جدید، و بازقرارت سایر سطوح حقوق بازنشتگان و اعمال اصلاحیه حق مسکن دارد که سازمان تأمین اجتماعی نقش مهمی در تحقق آن بر عهده دارد. سازمان تأمین اجتماعی نیز می‌تواند توجه به تجارب مدیرعامل خود جناب آقای دکتر موسوی و همچنین منظر قراردادن بحث سه جانبه‌گرای و استفاده از نظرات شر کای اجتماعی سازمان، از این آزمون هم سربلند بیرون بیاید.

آری، قطار افزایش سایر سطوح حقوق بازنشتگان تأمین اجتماعی به ایستگاه پایانی نزدیک شده است و امیدواریم دولت با تصویب مصوبه هیئت مدیره تأمین اجتماعی و شورایاعلی کار به عنوان یک ۲۸ درصدی مزد پایه به اضافه مبلغ ثابت ۵۱۵۱۶۶۰ ریال برای سایر سطوح حقوق بازنشتگان همان مصوبه شورایاعلی کار است، مانع رسیدن این قطار به ایستگاه پایانی خود نشود.

ان شاهلله

سرمقاله

مشق شب و مافیای آموزش

■ **مصمد هدایتی**

اگر زمانی کتاب های کمک آموزشی چیزهایی صرفا مربوط به کنکور بودند، به کنکوری که آخر هم کسی نمی داند فرجامش چه خواهد شد، امروز این کتاب ها از همان آغاز با ما هستند، از همان سال اول مدرسه، شاید حتی پیش تر، وزیر پیشین آموزش و پرورش گفته بود که کتاب های کمک آموزشی حتی قبل از کتاب های درسی توزیع می شوند. می خواست تغییراتی ایجاد کند، کنارش زدند. می گویند بازار موسسات و کالاهای کمک آموزشی، اقتصادی با سرمایه هشت هزارمیلیاردی دارد. رقم عجیبی است، وقتی حیرت کردیم- از بزرگی این عدد، آن وقت احتمالا کمی هم به آن کلمه مظلوم «آموزش» فکر می کنیم که دیگر همه می دانند چه بر سرش آمده و نقش این موسسات در آن چه بوده است. شیوه های مدرسی آموزش، با روال های بوروکراتیکشان خود تا حدی زایل کننده خلاقیّت بودند، اما به مدد این موسسات و محصولاتشان این فرایند سرعت دوجندانی یافته است. مگر نه اینکه در شعارهایشان هست که ما همه چیز را به صورت «یسته بندی شده» برای شما فراهم می کنیم. علم و معرفت و یادگیری تقلیل پیدا کرد به «یسته های جادویی».

این موسسات رفتند گلوگاه «آموزشی» کشور یعنی کنکور را گرفتند، تا کنترل آن سیطره شان را بر همه چیز آموزش گسترش دهند. از یک سو نهاد مدرسه را بی اعتبار ساختند، مشروعبنی برایش باقی نماند. از یک زمانی دیگر همه فهمیندند برای موفقیت در کنکور، برای بهتر تست زنی دیگر کاری از دست مدرسه- بر نمی آید. مدرسه شد مناسکی که گریزی از آن نیست و اجباری است که باید تحملش کرد. این وسط دولت هم باید عرض اندامی بکند و نشان دهد سرنوشت های ما وابسته به او هم است. از دیگر سو این موسسات با تکثیر غول کنکور در زندگی های روزمره، آرامش را از فرایند آموزش گرفتند، خانواده ها را پیش از پیش درگیر ساختند، تفکر را بی اعتبار ساختند و بحرانی را ترسیم کردند که فقط با چسبیدن به «متدهای» آن ها رفع شدنی بود. این موسسات بخشی بوده‌اند از پروژه کالایی و بازاری کردن آموزش در کشور. حالا اقتدری قدرت یافته‌اند که آشکارا در مسائل کلانی حتی چون انتخاب وزیر، چون سیاست های آموزشی دخالت کنند. می روند پیش بزرگان دینی تا توصیه ای بگیرند که مبدا مشق شب مدارس حذف شود. مبدا آموزش و پرورش پس از سال ها بخواهد برنامه درستی را در پیش گیرد. حذف مشق شب، اگرچه آرامش را به دانش آموزان می دهد، اما آرامشش خاطر را از این موسسات می گیرد. دخالت از این بیشتر و مضحک تر، گویا آن تبلیغات خودشان را باور کرده‌اند، که کلید موفقیت ما در زندگی، کلیدی که گویا با زدن یک تست بهتر ممکن می شود در اختیار آن هاست. شاید هم این طور باشد. هرچه هست این اقتصاد آموزش باعث اتقباد ما شده است. ما خود را و آموزش را به این موسسات واگذار کرده ایم.